

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال پنجم، زمستان ۱۳۹۲، شماره مسلسل ۱۸

معانی احصای اسماء الهی در احادیث نبوی ﷺ

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۷

سیدقوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی*

اسماء و صفات الهی راه شناخت خدا و توجه به ذات بی‌مانند او می‌باشند. قرآن کریم و روایات ژرف‌ترین معارف را درباره اسماء و صفات خداوند بزرگ فراروی اندیشمندان و طالبان حق قرار داده‌اند. یکی از این معارف در جمعی از احادیث آمده است که راویان شیعه و سنی از رسول گرامی اسلام ﷺ درباره احصای اسماء نقل کرده‌اند. این نوشتار برای درک عمیق‌تر معنای احصا، پس از بررسی این احادیث، آرای اندیشمندان مسلمان را در معنای احصا دسته‌بندی و به اندیشه در آنها پرداخته است. از نگاه نویسنده، به زبان آوردن این اسماء همراه اعتقاد و ایمان به آنها در دعا و غیر آن معنای ظاهر احصای اسماء الهی و متناسب با معنای لغوی آن است. معانی عرفانی و دقیقی که در تفسیر احصا آمده است، افزون بر اینکه حقایقی ثابت و انکارناپذیرند، می‌توانند معانی باطنی احصای اسماء به شمار آیند.

واژه‌های کلیدی: احصای اسماء، تخلق به اسماء الهی، تحقق به اسماء الهی،

مظهریت برای اسماء الهی، انحصار اسماء الهی، دعا.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه امام صادق (ع).

درآمد

بشر راهی برای شناخت تفصیلی و شهود ذات حق ندارد. خدای تعالی از روی رأفت و مهربانی بندگان را از حریم ذاتش بر حذر داشته است: «وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»؛ شما را از خود می ترساند، و خدا به بندگان مهربان است. (آل عمران: ۳۰)

قرآن کریم خدای متعال را از راه اسماء و صفاتش معرفی کرده (حشر: ۲۲-۲۴) و سالکان و طالبان جمالش را به توجه و تمسک به اسماء حسنایش فراخوانده است (اعراف: ۱۸۰) اسماء الهی، ازسویی، وسایط فیض حق هستند و، از سویی دیگر، با وساطت آنها می توان به ذات بی نشان حق روی آورد و نزدیک شد. از این نگاه، معرفت اسماء حسنا حق یکی از مهم ترین ابواب معارف الهی است. اصیل ترین منبع در شناخت معارف الهی و حقایق مربوط به اسماء الهی، قرآن کریم و احادیث نازل از معدن وحی و عصمت است. این متون توجه مشتاقان به معارف الهی را به خود جلب کرده و راهگشای فهم حقایق بسیاری در این باره گشته است. از نگاه قرآن، خدای تعالی از هر گونه توصیفی منزّه است، جز از سوی کسانی که با فنای از خود به مقام مخلصین راه یافتند و شایسته توصیف حق شدند: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ»؛ منزّه است خداوند از آنچه توصیف می کنند، مگر بندگان مخلص خدا (صافات: ۱۵۹-۱۶۰) از رسول خدا ﷺ حکایت شده است که فرمود: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ»؛ مرا با خدا حالاتی است که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل را در آن راه نیست. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۱۱۹) اینکه فرمود: هیچ پیامبری را در آن مقام راه نیست، نکره درسیاق نفی است و افاده عموم می دهد.

این سخن خود آن جناب را نیز دربرمی گیرد و، در نتیجه، آن حضرت با فنای از خویش به این مقام بار یافته است. (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۵۵۷)

یکی از معارفی که از چشمه سار نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سرازیر گشته و در متون روایی، عرفانی و کتب دعا و شرح اسماء راه یافته است روایات احصای اسماء الهی است. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این روایات، احصای اسماء الهی را راه ورود به بهشت و جوار قرب الهی برشمرده است و تمسک به این اسماء را در مقام دعا موجب استجاب دعا خوانده است. این روایات در کتب شیعه و اهل سنت آمده است. برخی از این روایات به تفصیل این اسماء را برشمرده اند و برخی دیگر از این روایات تنها به اصل سخن بسنده کرده اند. اگرچه، برخی از محققان شمارش تفصیلی اسماء را از سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمی دانند و در روایات آن خدشه می کنند، ولی شارحان این احادیث در کتب دعا و کتب شرح اسماء به شرح آنها پرداخته اند و سالکان و مؤمنان در دعا و غیر آن به آنها تمسک کرده اند و با آنها به خدای بزرگ تقرّب جسته اند. از جمله مباحثی که در شرح این احادیث در سخنان محققان و شارحان راه یافته است، معنای احصای اسماء است.

بی تردید، تنها شمارش الفاظ این اسماء، چنان که همه شارحان بر آن اتفاق دارند، نمی تواند راهگشای ورود به بهشت و مقام قرب الهی باشد. پس، معنای احصای این اسماء چیست؟ و چگونه احصای این اسماء آدمی را به جوار قرب الهی راه می برد؟

در این مجال، برای ارائه بیشتر این مباحث در اندیشه و نگاه جامعه دینی و فهم عمیق تر از سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نخست، به بررسی اجمالی این روایات می پردازیم و آرای اندیشمندان اسلامی را درباره معانی احصا شمارش و

دسته‌بندی می‌نماییم و، در نهایت، به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

مفهوم لنوی واژه احصا

واژه «احصاء» مصدر باب افعال از فعل ثلاثی «حصی» و به معنای احاطه و علم به مقدار و شمار چیزی است. راغب می‌نویسد: «احصا به معنای به‌دست آوردن شماره چیزی است. در زبان عربی گفته می‌شود: أحصیت کذا؛ یعنی چیزی را شماره کردم، فلان تعداد بود. اصل این کلمه از واژه «حصاة» به معنای سنگریزه است. بدان‌جهت، این لفظ را برای شمردن به‌کار می‌بردند که عرب برای شمردن اشیاء از سنگریزه استفاده می‌کرد، چنان‌که ما در شمردن از انگشتان خود استفاده می‌کنیم. خدای تعالی می‌فرماید: «وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن: ۲۸)، یعنی به‌دست آورد و به احاطه پیدا کرد. (راغب اصفهانی: ۲۴۰)

معنای احاطه در کاربردهای گوناگون این کلمه به‌کاررفته است و، بنابراین، این کلمه تنها به معنای شمارش - همانند کلمه «عد» - نیست بلکه، با توجه به معنای احاطه، در معنای اتمام شمارش چیزی به‌کار می‌رود. علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر آیه کریمه «عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْه» (مزمّل: ۲۰) می‌نویسد: «احصا به معنای به دست آوردن و احاطه یافتن به مقدار هر چیز و تعداد آن است». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۷۵)

بررسی احادیث احصا

حدیث احصا در روایات شیعه و اهل سنت از طرق گوناگون و با الفاظ متفاوت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. برخی از این احادیث تنها به احصای اسماء پرداخته است و ذکر تفصیلی اسماء نودونه‌گانه در آنها نیامده است. برخی

دیگر، افزون بر اصل مسئله احصا، اسماء نودونه‌گانه را نیز به تفصیل آورده‌اند. برخی از این احادیث اشاره دارند که این اسماء در قرآن کریم آمده است و برخی نیز اسماء وارد شده در قرآن را آورده‌اند. در کتب شیعه، روایت تفصیلی احصا از طریق سلیمان بن مهران و امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. در آغاز، به بررسی این روایت و برخی نکات موجود در آن می‌پردازیم.

رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنِ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هِيَ اللَّهُ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيرُ الْقَاهِرُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى الْبَاقِي الْبَدِيعُ الْبَارِي الْأَكْرَمُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَيُّ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ الْحَفِيفُ الْحَقُّ الْحَسِيبُ الْحَمِيدُ الْحَقِيُّ الرَّبُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الدَّارِيُّ الرَّزَّاقُ الرَّقِيبُ الرَّءُوفُ الرَّأْيِي - السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُنْكَبِرُ السَّيِّدُ الشُّبُّوحُ الشَّهِيدُ الصَّادِقُ الصَّانِعُ الظَّاهِرُ الْعَدْلُ الْعَفْوُ الْعَفُورُ الْعَنِيُّ الْعَيْثُ الْفَاطِرُ الْفَرْدُ الْفَتَّاحُ الْفَالِقُ الْقَدِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْقَوِيُّ الْقَرِيبُ الْقَيُّومُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ قَاضِي الْحَاجَاتِ الْمَجِيدُ الْمُؤَلَّى الْمُتَّانُ الْمُحِيطُ الْمُبِينُ الْمُتَّقِنُ الْمُصَوِّرُ الْكَرِيمُ الْكَبِيرُ الْكَافِي كَاشِفُ الضَّرِّ الْوَتْرُ النَّوْرُ الْوَهَّابُ النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوُدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْبَرُّ الْبَاعِثُ التَّوَابُ الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ الدِّيَّانُ الشُّكُورُ الْعَظِيمُ

اللَّطِيفُ الشَّافِي؛ (ابن بابويه، ۱۳۹۸: ۱۹۴ - ۱۹۵) ^۱

همانا برای خدای تبارک و تعالی نودونه اسم، یعنی صد منهای یک اسم، است که هر کس آنها را شماره کند وارد بهشت گردد و آنها عبارت‌اند از: در بیشتر روایات احصا عبارت «مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا»؛ (صد منهای یک) آمده است.

۱. مرحوم صدوق همین حدیث را در کتاب «خصال» ابواب الثمانین و مافوقه نقل کرده است.

در این عبارت، کلمه «إِلَّا» صفت برای «مائه» است و مجموع صفت و موصوف بدل کل از کل یا عطف‌بیان برای عدد «تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ» است. شارحان این احادیث در اینکه چرا برای عدد نودونه عطف‌بیان یا بدل آورده شده است و جوهی بیان کرده‌اند:

۱. فخرالدین رازی دو وجه بیان کرده است: نخست تأکید عدد نودونه، چنان‌که در آیه کریمه «ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» [بقره: ۱۹۶] آمده است و دیگری جلوگیری از اشتباه در تلفظ یا کتابت عدد تسعة و تسعین، زیرا این عدد مانند عدد «سبعة و سبعین» و «سبعة و تسعین» نوشته می‌شود. (فخرالدین رازی، ۱۳۶۴: ۷۸)

۲. آوردن عبارت «مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا» برای دفع توهم نقصانی است که در عدد نودونه به نظر می‌رسد، زیرا عدد کامل عدد صد است و بیان عدد نودونه در این احادیث یا برای فواید و برکاتی است که بر این تعداد از اسماء مترتب است و یا چنان‌که در برخی روایات این فراز نیز آمده است که «انه وتر یحب الوتر»؛ [خدا فرد است و فرد را دوست دارد] برای این است که خداوند تعالی فرد را دوست دارد و یا بدین رو که اسمائی که در ظاهر قرآن از آنها نام برده شده نودونه اسم‌اند، چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است. (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۳-۲۰۴)

۳. تعداد اسماء، درحقیقت، به تعداد عدد کامل یعنی عدد صد است، جز اینکه

۱. قال رسول الله ﷺ: إن لله تبارک و تعالی تسعة و تسعین اسما مائة إلا واحدا إنه وتر یحب الوتر من أحصاها دخل الجنة.

حقّ واحدی که متجلی در این اسماء است منزّه از احصا و شماره است. پس، کسی که از این اسماء یاد کند او را در مظاهر اسماء حسنائش یاد کرده است، همانند آیه کریمه «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ»؛ [هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست] (مجادله: ۷) در آیه کریمه، خدای متعال چهارمی از سه تا به شمار آمده است، یعنی درحالی که با آنهاست در ردیف آنها شمرده نمی‌شود. این آیه کریمه بیانگر وحدت حقّه الهی است، واحدی که در همه اشیا سریان دارد، بی آنکه درعرض آنها باشد و مانند آنها به شماره آید. تفاوت مورد آیه کریمه با اسماء الهی در این است که آیه کریمه حضور و معیت حق را با تجلیات فعلی بیان می‌کند و دربحث اسماء، سخن از معیت ذات حق با تجلیات اسمائی است. با این نگاه، عبارت «مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا» برای اشاره به این نکته است که شمار اسماء الهی در این حدیث صد اسم است و اسم صدم، بی‌آنکه در ظاهر به شمارش آید، با شمار این اسماء شمرده شده است. (همان)

هریک از این وجوه سه‌گانه به جای خود می‌تواند تفسیری برای ذکر عبارت «مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا» پس از عدد نودونه باشد. قاضی سعید قمی وجه سوم را از وجوه دیگر دقیق‌تر می‌داند. در احادیثی که در آنها شمارش تفصیلی اسماء پس از اصل حدیث آمده است، اسم جلاله «الله» در ردیف اسماء دیگر آورده شده است. با شمارش این اسم، مجموع اسماء به صد می‌رسد. با اینکه، بنا بر صدر این روایت اسمائی که وعده بهشت برای احصای آنها داده شده نودونه اسم بیش نیستند. با توجه به این نکته، شارحان این احادیث بیان کرده‌اند که اسم جلاله «الله» در این احادیث دارای معنای وصفی نیست و برای شمارش اسماء دیگر آمده است.

(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۳۶۲)^۱ این نکته را شاید بتوان مؤید وجه سوم دانست که در توجیه عبارت «مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا» بیان شده است.

اصل حدیث احصا بدون شمارش تفصیلی اسماء از طریق ابی صلت هروی از امام رضا^ع از رسول خدا^ص نقل شده است. در این حدیث آمده است:

لله عز و جل تسعة و تسعون اسما من دعا الله بها استجاب له و من أحصاها

دخل الجنة. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۹۵)

این حدیث، افزون بر احصای اسماء، این حقیقت را نیز بیان می‌کند که هر کس خدای متعال را با این اسما بخواند دعایش مستجاب می‌گردد. قاضی سعید قمی^{رحمته} احتمال می‌دهد که امام^ع بنا بر مصالحی اسمای نودونه گانه را در این روایت نام نبرده است. این احتمال نیز می‌رود که شیخ صدوق^{رحمته} ذکر تفصیلی اسماء را از این جهت که در روایت سلیمان بن مهران آمده است در این روایت نقل نکرده باشد. (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۷)

اینکه مرحوم صدوق با وجود شمارش تفصیلی اسماء در دنباله روایت آن را نقل نکرده باشد بعید به نظر می‌رسد، به‌ویژه که در پاره‌ای از روایاتی که از طریق اهل سنت نیز نقل شده است شمارش تفصیلی اسماء نیامده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۳۶۳)

۱ و ذکر لفظ الجلالة فی هذه الروایات المشتملة علی الإحصاء لإجراء الأسماء علیه و إلا فهو خارج عن العدد. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۱۹) در تعلیقات بر توحید صدوق^{رحمته} آمده است: المذكور فی البحار و نسخ التوحید «مائة كاملة» و الظاهر أن الرائی زائد كما أتى فی نسخة بدلا عن الرؤف، أو أن لفظ الجلالة خارج عن العدد أتى بعنوان المسمى الجاری علیه الأسماء. (همان: ۱۹۵)

در روایات اهل سنت، روایت تفصیلی احصا از ابی هریره از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۱۴۸) در این روایت، عبارت «انه وتر یحب الوتر» نیز آمده است. روایتی دیگر بدون عبارت «انه وتر یحب الوتر» و با تفاوت در ترتیب اسماء از ابی هریره نقل شده است.

در یکی از این روایات آمده است که راوی می‌گوید: از امام صادق ع از اسمای نودونه‌گانه که هر که آنها را احصا کند به بهشت رود پرسیدم. فرمود: این اسماء در قرآن هستند. سپس، آن‌حضرت این اسماء را در تک‌تک سوره‌های قرآن بیان کرد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۱۴۸) نقاط ضعف فراوان در این روایت به چشم می‌خورد. این روایت اسم جلاله «الله» را از اسمای نودونه‌گانه به شمار آورده، در حالی که از آنها نیست. نیز برخی اسماء مانند «کبیر» تکرار شده است. نیز در آغاز روایت از نودونه اسم نام برده است با اینکه اسماء مذکور در این روایت به صدویست اسم می‌رسد. و نیز برخی اسماء مانند اسم «فرد» در سوره مریم و اسم «برهان» در سوره مائده نیامده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۳۶۳)

در اعتبار این روایات بین محققان اهل سنت تردید است. (فخرالدین رازی، ۱۳۶۴: ۷۳)^۱ محیی‌الدین عربی در این باره می‌نویسد: «نمی‌توانیم این اسماء را از راهی درست تعیین نماییم، زیرا همه احادیثی که ذکر تفصیلی اسماء در آنها آمده است اضطراب دارند و روایت صحیح در میان آنها نیست». (ابن عربی، بی‌تا: ۲/

^۱ علامه حسن‌زاده آملی در کتاب «کلمة علیا در توقیف اسم» ص ۳۱ می‌نویسد: تفتازانی در شرح مقاصد آورده است که «... الثالث ان الاسماء منحصره فی التسعة و التسعين، و الروایة المشتملة علی تفصیلها غیرمذکورة فی الصحیح، و لا خالیة عن الاضطراب و التعلیل. و قد ذکر کثیر من المحدثین ان فی اسنادها ضعفا» (شرح المقاصد، ج ۲، ص ۱۷۳).

(۳۰۳)

اصل روایت احصا، در کتب اهل سنت، با عباراتی متفاوت از ابی هریره و ابن عمر نقل شده است. در یکی از این روایات آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «لله مائة اسم غير اسم من دعا بها استجاب الله له دعاء» و در روایتی دیگر آمده است: خدای بزرگ فرمود: «لی تسعة و تسعين اسماء من أحصاها دخل الجنة». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۴۸) در روایتی از ابن عمر نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «لله تسعة و تسعون اسما من أحصاها دخل الجنة، و هی فی القرآن». (همان) این روایت با روایات تفصیلی احصا متعارض است، زیرا در روایات تفصیلی احصا اسمائی آمده است که در قرآن کریم نیست، مگر اینکه مقصود وجود معانی این اسماء در قرآن باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۶۳)

برخی محققان از این روایات استظهار کرده‌اند که شمارش تفصیلی اسماء دنباله سخن رسول خدا ﷺ نیست. علامه طباطبایی رحمته الله در رساله «الاسماء» پس از نقل روایت سلیمان بن مهران و روایت ابی هریره^۱ می‌نویسد: «ظاهر روایت

۱ مرحوم صدوق روایت تفصیلی ابی هریره را در کتاب توحید نقل کرده است. در این روایت، پس از بخش آغازین روایت و قبل از شمارش تفصیل اسماء آمده است: «فبلغنا ان غیر واحد من اهل العلم قال اولها یفتتح بلا اله الا الله وحده له الاسما الحسنى». (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۹۵) قاضی سعید قمی در شرح این روایت می‌نویسد: این عبارت از مرحوم صدوق است و از بسیاری از اهل علم و ارباب دعوات نقل کرده است که قرائت این اسماء را به جهت احترامی که برای این کلمات قایل بودند با این کلمات شروع می‌کردند و برای اینکه آمادگی لازم برای ذکر این اسماء را پیدا کنند، پس از حمد و سپاس خداوند به قرائت این اسماء می‌پرداختند. این کلمات را «اعتصامات» و «افتتاحات» می‌نامیدند. مرحوم صدوق پس از ذکر این کلمات دنباله خبر را نقل کرده است.

ابی هریره این است که شمارش اسماء از متن روایت نیست و بعید نیست که این نکته از روایت سلیمان بن مهران نیز استظهار شود، زیرا در روایت مهران آمده است: و هی الله تا آخر روایت، و صد اسم را شمرده است. (طبایبایی، ۱۳۶۵:

۳۳)

با این همه، شارحان احادیث احصا، برای احتیاط و تعبد به متن روایت، اسماء نودونه گانه را به ترتیبی که در روایات تفصیلی آمده است شرح کرده اند. محققان شیعه - مانند کفعمی در «مصباح المتهدجد» و ابن فهد حلی در «عدة الداعی» و علامه درودآبادی در «شرح الاسماء الحسنى» - اسمای نودونه گانه را طبق حدیث سلیمان بن مهران شرح کرده اند، چنان که محققان اهل سنت - مانند فخرالدین رازی در «لوامع البینات» و غزالی در «المقصد الاسنی» و محیی الدین در «کشف المعنی» - این اسماء را طبق روایت ابی هریره شرح کرده اند. در مجموع، چه شمارش تفصیلی اسماء از سخن رسول خدا ﷺ باشد و چه نباشد، می توان گفت که اصل روایت احصا به حد «استفاضه» رسیده است. (همان)

عدم انحصار اسماء الهی در نودونه اسم

قرآن کریم اسماء الهی را منحصر در عددی خاص نمی داند، بلکه همه اسماء حسنا را از آن خدای بزرگ می شمارد. (طبایبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۵۶-۳۵۷) روایات احصا نیز در مقام حصر نیستند و دلالتی بر انحصار اسماء الهی در نودونه اسم ندارند. این روایات دلالت می کنند که در بین اسمای الهی نودونه اسم وجود دارد که دارای آثاری ویژه اند و احصای آنها موجب ورود به بهشت و استجاب دعا است. (همان: ۳۶۴)

از سویی دیگر، برخی روایات تا سید و شصت اسم برای خدای تعالی

برشمرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۱۲) دعای جوشن کبیر خدای متعال را با هزارویک اسم نام برده است و برخی روایات از چهارهزار اسم برای خدای تعالی سخن گفته‌اند. (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۴/۱۴۰۵)

سخنان محققان در تبیین معنای احصای اسماء

دقت در احادیث احصای اسماء روشن می‌سازد که احصای اسماء الهی در این احادیث به معنای ظاهری آن یعنی شمارش لفظی اسما نیست، زیرا ورود به بهشت حقیقتی نیست که تنها با شمارش الفاظ اسماء به دست آید. از این نگاه، شارحان این احادیث و محققانی که به بحث از اسماء الهی و دقت در این احادیث پرداخته‌اند، با تأکید بر این نکته، وجوهی را در تفسیر معنای احصا بیان کرده‌اند.

از یک نگاه، می‌توان این گروه از محققان را به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست کسانی هستند که احصای اسماء را دارای یک مرتبه می‌دانند و یک یا چند معنای احتمالی برای آن بیان کرده‌اند و دسته دوم کسانی که احصای اسماء را دارای مراتب می‌دانند و چند مرتبه برای آن بیان کرده‌اند. در این نوشتار، بر اساس این تقسیم به نقل آرای آنان می‌پردازیم.

۱. محققانی که یک مرتبه برای احصا بیان کرده‌اند

۱-۱. احصای اسماء در مقام شناخت، ایمان، حفظ و تکرار: برخی از محققان احصای اسماء الهی را به معنای شناخت معانی این اسماء و اعتقاد به اتصاف خدای تعالی به آنها می‌دانند. شیخ صدوق رحمته‌الله در کتاب توحید، پس از نقل احادیث احصا، می‌فرماید: «إحصاؤها هو الإحاطة بها و الوقوف علی معانیها و لیس

معنی الإحصاء عدها» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۹۵)

مرحوم صدوق رحمته الله در این سخن احصا را به احاطه و آشنایی با معانی همه این اسماء تفسیر کرده است. روشن است که مقصود آن جناب احاطه و آشنایی با معانی این اسماء در کنار اعتقاد به آنهاست، که اگر چنین نباشد، چنان که شمارش لفظی این اسماء کارساز نیست، احاطه و آشنایی با معانی آنها نیز اگر با اعتقاد به آنها همراه نباشد، بر سعادت انسان و ورود در بهشت و جوار قرب الهی تأثیر ندارد.

علامه درودآبادی رحمته الله در این باره می نویسد:

اعلم ان المراد بهذه الاحادیث ليس احصاء الفاظها، بل المراد معرفة الله بهذه الاسماء التي هي صفاته. كما روى في الكافي باسناده عن ابن سنان عن ابي الحسن الرضا قال: «سألته عن الاسم ما هو؟» قال: «صفة لموصوف». يعنين مظهر صفته، لأن اسمائه تعالى متعددة و صفاته عين ذاته. فالمراد ان لله تعالى تسعة و تسعين اسما هي مظاهر صفاته، من عرف الله باحصاء تلك الاسماء دخل الجنة، یعنی بتعقلها. (همدانی درودآبادی، ۱۳۷۹: ۲۴)

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر المیزان درباره معنای احصا می نویسد:

مراد از اینکه فرمود: «هر کس آنها را بشمارد داخل بهشت می گردد» ایمان به این است که خدای تعالی متصف به جمیع آن صفاتی است که این اسماء دلالت بر آنها دارند، به طوری که درباره اتصاف خداوند به یکی از آنها بی ایمان نباشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۳۵۹)ⁱ

ⁱ المراد بقوله: «من أحصاها دخل الجنة» الإيمان باتصافه تعالى بجميع ما تدل عليه تلك

الأسماء بحيث لا يشذ عنها شاذ.

مقصود علامه طباطبایی رحمته الله علیه از ایمان به اتصاف خداوند به صفاتی که این اسماء از آنها حکایت دارند صرف ایمان بدون عمل نیست، بلکه ایمان صادقانه است که رفتار شایسته را در پی دارد، چنانکه آموزه‌های دینی ایمان و عمل صالح را مایهٔ سعادت و نجات انسان‌ها می‌شمارند. (بقره: ۸۲) به سخن دیگر، به زبان آوردن این اسماء و شناخت و ایمان صادقانه به آنها رفتار شایستهٔ دینی را نیز در پی دارد.

روایات فراوان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام دربارهٔ آثار نجات‌بخش به زبان آوردن کلمه توحید وارد شده است. مرحوم صدوق در باب اول توحید، «باب ثواب الموحدين والعارفين»، این روایات را جمع کرده است. امام صادق علیه السلام در سخنی در این باره فرمود:

من قال لا إله إلا الله مخلصا دخل الجنة و إخلاصه أن تحجزه لا إله إلا الله

عما حرم الله عز و جل. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۷)

هر کس از روی اخلاص کلمه لا إله إلا الله را به زبان آورد وارد بهشت گردد

و اخلاصش به آن است که او را از آنچه خدای تعالی حرام کرده بازدارد.

این سخن امام صادق علیه السلام شارح دیگر احادیث این باب کتاب توحید است. امام در این سخن کلمه توحید را در صورتی که با رفتار دینی و اجتناب از محرمات الهی همراه گردد مایهٔ نجات و ورود به جوار قرب الهی و بهشت می‌شمارد. احادیث احصای اسماء نیز چنین‌اند و ایمان به آنها در صورتی نجات‌بخش است که صادقانه باشد و با رفتار مناسب آنها همراه گردد.

برخی محققان احصا را به معنای حفظ و تکرار این اسمای تفسیر کرده‌اند (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۶) سلیمان سامی محمود احصای اسماء را به معنای حفظ این اسماء، به خاطر سپردن آنها، دعا و خواندن خداوند با این اسماء

و تکرار آنها با علم به معانی آنها می‌داند. (سامی محمود، بی‌تا: ۱۵) ^۱ روشن است که حفظ و تکرار این اسماء با ایمان به آنها و با رفتار شایسته نجات‌بخش است. احصای اسماء در سخنان این گروه از محققان به معنای شناخت معانی اسماء، ایمان به آنها و حفظ و تکرار آنها در دعا تفسیر شده است. در مجموع، می‌توان از آن به احصای اسماء در مقام معرفت، ایمان و حفظ و تکرار آنها نام برد. برخی شارحان احادیث احصاء، با توجه به استظهاری که از این احادیث کرده‌اند و با توجه به اینکه شرح تفصیلی اسماء را خارج از متن این حدیث دانسته‌اند، احصای اسماء را به معنای به‌دست آوردن این اسماء نودونه‌گانه و استکشاف آنها از قرآن کریم، احادیث و دلایل عقلی دانسته‌اند و معتقدند که توفیق انجام این کار نیازمند تحصیل علوم گوناگون و تلاش فراوان است و هر کس این علوم را تحصیل کند و با تلاش به درجه‌ای برسد که بتواند این اسماء را از منابع درست شرعی استنباط کند به نهایت درجه بندگی راه می‌یابد و شایسته بهشت و جوار قرب الهی می‌گردد. (فخرالدین رازی، ۱۳۶۴: ۸۲)

این توجیه در تبیین معنای احصای اسماء درست به نظر نمی‌رسد، زیرا بر اساس این وجه، احصای اسماء به معنای به‌دست آوردن این اسماء از منابع درست دینی است، در حالی که تنها به دست آوردن این اسماء از منابع دینی اگر با اعتقاد و ایمان به آنها و رفتار مناسب با این اعتقاد یا تخلق به این اسماء همراه نباشد موجب ورود به بهشت نمی‌گردد و آنگاه که با اعتقاد و عمل و تخلق به اسماء الهی همراه گردد، توجیه جداگانه‌ای در تبیین احصاء نخواهد بود و به یکی از وجوه دیگر بازمی‌گردد.

^۱ و معنی احصاءها حفظها و وعاءها و عدّها و دعا بها و کرر تلاوتها عالما بمعناها.

۲- ۱. احصای اسماء در مقام تخلیق به اخلاق الهی: از معانی دیگری که برای احصای اسماء در سخنان محققان و شارحان این حدیث می توان یافت تخلیق به اخلاق الهی است، به این بیان که بنده با تقرب به خدای متعال به اسماء حق متصف گردد. در این معنا از احصا، اسماء الهی همان صفات و اخلاق الهی اند و بنده با اتصاف به این صفات و اخلاق اسماء او را احصا و به بهشت و جوار قرب الهی راه می یابد. ناگفته پیداست که صفات الهی نامحدود و غیرمتناهی اند و کسی را توان اتصاف به این صفات نامتناهی نیست. بنابراین، مقصود از تخلیق و اتصاف به این صفات اتصاف و تخلیق به این صفات به اندازه و میزانی است که برای بشر مقدور می باشد.

تخلیق به اخلاق الهی - جدای از بحث احصای اسماء - حقیقتی است که آموزه های دینی به آن دعوت کرده اند. در قرآن کریم، کمتر مسئله ای از مسائل فردی و اجتماعی است که به اسمی از اسماء الهی ختم نگردد. در حقیقت، ذکر اسماء الهی در پایان این آیات گونه ای دعوت به این اسماء و تمسک و تخلیق به آنهاست. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر آیه ۱۴ سوره تغابن می نویسد:

و اگر منظور مغفرت و رحمت عام الهی باشد بدون اینکه مقید به مورد خطاب باشد، در این صورت، می رساند که اگر مؤمنان چنین کنند، خود را به صفات خدا متصف و به اخلاق خدایی متخلق کرده اند، چون خدا هم غفور و رحیم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۰۷)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «تخلقوا بأخلاق الله» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱/۳۱۲) همچنین، از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «خدای تعالی دارای نودونه اسم است؛ هر که بدانها متصف شود به بهشت وارد گردد». با

توجه به اینکه این روایات با روایات احصا دارای سیاق واحدی می‌باشند، می‌توانند شارح و مفسر احادیث احصا باشند.

علامه حسن زاده آملی (دام ظلّه) در این باره می‌نویسد:

چنان‌که «کتاب الله ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۹۳)، همچنین، احادیث ناطق و شاهد یکدیگرند. در حدیث دیگر از رسول خدا ﷺ آمده است که «إن لله تسعة و تسعين خلقا من تخلق بها دخل الجنة» و در حدیث دیگر آمده است «إن لله تسعة و تسعين خلقا من تخلق بواحد منها دخل الجنة» (عین‌القضاة همسانی، ۳۴۵ - ۳۴۶) و از اینکه عدد تنین (مار) در قیامت برای بدکاران نودونه است، ظاهراً در مقابل این اخلاق کریمه که چون آنها نباشد به جای آنها صفات مذمومه است و صفات مذمومه در تمثیل اعمال به صفات موزویه و اشباح و صور موحشه درمی‌آید.^۱ (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۱۰۶)

از نگاه غزالی، استفاده از برکات اسماء و صفات حق مراتب و درجاتی دارد و تخلق به اخلاق الهی و اتصاف به معانی اسماء و صفات الهی از برترین مراتب

۱. امام صادق (ع) درباره سوال قبر از کافر فرمود: «فیسلط علیه فی قبره تسعة و تسعين تیناً لو أن تیناً واحداً منها نفخ فی الأرض، ما أنبتت شجراً أبداً؛ پس، نودونه مار بر او مسلط می‌شوند که اگر از یکی از آنها در زمین بدمد هرگز گیاهی در آن نروید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۷/۳) شیخ بهایی رحمته الله پس از نقل این روایت می‌نویسد: یکی از اهل حال گوید: سزاوار نیست از این عدد تعجب کنی. شاید شمار این مارها به اندازه شمار صفات مذمومه مانند کبر، ریا و دیگر اخلاق و ملکات پست باشد، زیرا این صفات به انواع فراوانی منشعب می‌گردند و همین صفات در جهان آخرت به صورت مار درمی‌آیند. (بهایی، ۱۴۱۵: ۴۸۵).

آن است. در نگاه او، به کاربردن الفاظ و معانی اسماء و حتی اعتقاد قلبی به اتصاف خداوند به این اسماء از مراتب پایین استفاده از برکات اسماء است. وی کمال بنده و سعادت او را در تخلق به اخلاق الهی به اندازه‌ای که برای او متصور است می‌داند و بهره‌مقربان را از اسماء حسناى الهی را در سه چیز می‌شمارد:

نخست، شناخت برهانی و یقینی به اسماء حسناى حق که در آن خطایی راه نیابد

دوم، بزرگداشت این اسماء، چنان‌که شوق به اتصاف به این صفات را در او برانگیزد و در صفاتش به او نزدیک شود و همانند فرشتگان مقرب خدا گردد.^۱

سوم، تلاش در اکتساب این صفات به قدر ممکن. (غزالی، ۱۳۹۶: ۲۳-۲۴)

غزالی، با این نگاه، در شرح هر یک از اسماء نودونه گانه، حظاً و بهره‌بنده در تخلق به آن اسم را بیان می‌دارد. در یک بیان کلی، کسانی که به شرح اسماء حسنا پرداخته‌اند و احصای اسماء را به معنای تخلق به اخلاق الهی و اتصاف به صفات ربوبی می‌دانند یا یکی از مراتب آن می‌شمارند، در شرح این اسماء نصیب بنده در اتصاف به آن اسم را نیز بیان می‌دارند. محیی‌الدین در کتاب «کشف معنی عن سرّ اسماء الحسنی» و سلیمان سامی محمود در کتاب «النور الاسمی فی شرح الاسماء الحسنی» از همین روش پیروی کرده‌اند.

۳-۱. احصای اسماء در مقام عبودیت: احصای اسماء در مقام عبودیت و بندگی یکی دیگر از وجوهی است که در سخنان محققان با بیانات گوناگون آمده است.

۱. وی توضیح می‌دهد که هیچ‌کس از شوق اتصاف به این صفات خالی نیست مگر به دو جهت:

ضعف معرفت و یقین، و بر شدن قلب از شوق دیگر و استغراق در آن.

با یک تفسیر، این معنا را می‌توان، از آثار و برکات معنای نخست احصا، یعنی احصا در مقام معرفت و ایمان، به شمار آورد و، با تفسیری دیگر، از معانی دقیق احصا به شمار می‌آید، زیرا بنا بر این تفسیر، بنده در مقام بندگی و به اقتضای هر اسمی از اسماء حسناء عبادتی ویژه انجام می‌دهد و، به سخنی دیگر، به لوازم و احکام معرفت و ایمان به اسماء حسنا حق در مقام عمل و بندگی ملتزم می‌گردد و خدای متعال را در مظهر هر یک از اسماء حسنا عبادت می‌کند.

أ. تبیین نخست از احصا در مقام عبودیت: فخرالدین رازی در تبیین این تفسیر از

احصا می‌نویسد:

وجه سوم در تفسیر احصا آن است که احصا به معنای طاقت و توان باشد. خدای تعالی فرمود: «عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْه» (مزمّل: ۲۰) یعنی خدای تعالی دانست طاقتش را ندارید، و پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «استقیموا و لن تحصوه»، استقامت کنید و هرگز توان استقامت کامل ندارید، و معنای حدیث بنا بر این معنا از احصا چنین می‌شود: هر کس بتواند حرمت این اسماء را رعایت کند وارد بهشت می‌گردد. مقصود از رعایت این اسماء همان است که پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به سوال جبرئیل ع از معنای احسان فرمود: «ان تعبد الله کانک تره و ان لم تکن تره فانه یراک»؛ احسان آن است که خدا را چنان عبادت کنی که گویا او را می‌بینی: پس، اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند. پس، بنده وقتی دو اسم «رحمن» و «رحیم» را به زبان می‌آورد، بداند که همه رحمت‌ها از اوست و زمانی که اسم «ملک» را می‌گوید، بداند که تمام عالم ملک از آن اوست و با خدایش چنان رفتار کند که بنده ذلیل در برابر پادشاه عزیز رفتار نماید، و وقتی اسم «رزاق» را به زبان آورد، بداند که خدای سبحان عهده‌دار روزی اوست و به وعده‌هایش اعتماد نماید، چنان‌که به وعده پادشاهان اعتماد می‌کند. به همین

روش، نسبت به دیگر اسماء حق رفتار نماید.^۱

بنابراین تفسیر، خدای تعالی دارای اسمائی است که از صفات و کمالات او حکایت می‌کنند. شناخت خدای بزرگ با هر یک از این اسماء، آنگاه که صادقانه و از روی اخلاص باشد، آثار و حرکاتی را در بنده به دنبال دارد. معرفت خدای سبحان به این اسماء و حالات و رفتار متناسب با هر یک از آنها در مقام بندگی احصای این اسماء می‌باشد و بنده را به بهشت و جوار قرب الهی هدایت می‌کند. این تفسیر، در حقیقت، به این معنا برمی‌گردد که بشر توان احاطه و احصای حقیقی همه اسماء الهی را ندارد و، از این گذر، سزاوار است تا جایی که توان دارد حرمت این اسماء را در اندیشه و رفتارش رعایت کند. این تفسیر نگاهی ظاهری و سطحی به احصای اسماء در مقام بندگی است.

ب. تفسیر دوم از احصا در مقام عبودیت: در سخنان محققان، تفسیری عمیق‌تر

از احصای اسماء در مقام عبودیت می‌توان یافت. محیی‌الدین ابن عربی، در پاسخ به پرسش از اجزاء بندگی در فتوحات مکیه می‌نویسد:

بندگی به شمار اسماء الهی دارای نودونه جزء است، که هر کس آنها را احصا کند به بهشت درآید. برای هر اسمی از اسماء الهی عبادتی است که به آن اسم اختصاص دارد. با آن عبادت، هر آفریده‌ای که او را می‌پرستد او را عبادت می‌کند. (ابن عربی، ۱۴۰۵: ۱۲/۴۲)

محیی‌الدین ابن عربی، با تکیه بر این تفسیر، بر آن است که کسی جزء اولیای

۱. تفاوت این وجه با وجه دیگری که از کلام فخرالدین رازی در پیش گذشت در این است که در وجه پیشین، علم و معرفت در معنای احصا اعتبار گردید است ولی در این وجه، عبودیت و رفتار متناسب با معرفت به هر اسمی اعتبار شده است.

الهی از این اسماء آگاه نیست، زیرا هر کسی از مقتضیات اسماء و اینکه هر اسمی اقتضای چه عبادتی را دارد آگاه نیست. از نگاه وی، رسول خدا ﷺ این اسماء را تعیین نکرده است. برخی در صدد تعیین این اسماء برآمده‌اند، ولی روشن نیست اسمائی که تعیین کرده‌اند همان اسمائی باشند که رسول خدا ﷺ فرموده است. (همان)

در توضیح این تفسیر، می‌توان گفت: خدای بزرگ برای هر کمالی از کمالاتش مستحق عبادتی است، چنانکه اولیای الهی خدا را چون شاسته عبادت است می‌پرستند. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک و لکن وجدتک أهلاً للعبادة فعبدتک»؛ تو را از ترس آتش دوزخ و طمع بهشت نمی‌پرستم، بلکه تو را شایسته بندگی یافتم، پس، تو را پرستیدم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۷/۶۷)

اسماء الهی وسایط فیض حق‌اند و با وساطت آنها، اصل وجود و برکات و کمالات وجودی بر همه هستی افزوده می‌گردد. بهشت و بهشت‌ها نیز از مظاهر لقای حق با اسماء رحمت‌اند. خدای سبحان با هریک از اسماء و کمالاتش مستحق عبادتی ویژه است. بنده با این عبادات، خدا را در مظاهر اسماء رحمتش عبادت می‌کند و به لقای حق با اسماء رحمت و بهشت نایل می‌گردد. (شجاعی، ۵۲)

آیت‌الله شجاعی (دام‌ظه) احصا را به معنای بندگی گرفته است و با بهترین بیان به شرح و تفسیر آن پرداخته است. (شجاعی، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۳۴) وی توجه می‌دهد که اسماء نودونه گانه‌ای که در این روایات موجود است، بر فرض اینکه دنباله سخن رسول خدا ﷺ باشند، از اسماء رحمت حق می‌باشند. و اسماء

غضب، مانند «منتقم»، «ذواتتقام» و «شدید العقاب» در آنها به چشم نمی‌خورند؛ نزد ارباب معرفت روشن است که در سیر انسان به سوی خدای متعال، رسیدن به لقای او در مظاهر اسماء رحمت و نیل به بهشت‌ها که جلوات اسماء رحمت است به عبادت او در مظاهر رحمت موقوف است. (همان)

عبادت‌کننده باید او را در مظهر هر اسمی از اسماء رحمت او عبادت کند و او را با هر اسمی از اسماء رحمت بخواند و با همه اسماء رحمت او به پرستش او بپردازد و او را در مظاهر همه اسماء رحمت او طلب کند تا به لقای همه اسماء رحمت نیل گردد و او را با همه اسماء رحمت او ملاقات نماید و همچنین به جلوات اسماء رحمت نیز که بهشت‌ها در مراتب مختلف است، برسد. (همان)

ایشان بر آن است که با التزام به صراط مستقیم قرآنی، که قرآن و عترت بیان کرده‌اند، می‌توان خدا را در مظاهر همه این اسماء پرستید و، در نتیجه، به لقای او در مظاهر همه این اسماء نیل آمد. وی معتقد است که سر تعدد و تنوع عبادت در شریعت در این نکته نهفته است که بنده او را در مظاهر همه اسماء رحمتش عبادت کند و به لقای او در مظاهر این اسماء نیل آید. (شجاعی، ۱۳۸۳: ۱۳۴)

عشق و طلب سوختن‌ها و ساختن‌ها دارد، چنان‌که مولوی گوید:

عاشقان را هر زانی مردنی است	مردن عشاق خود یک نوع نیست
او دو صد جان دارد از نور هدی	و آن دو صد را می‌کند هر دم فدا
هر یکی جان را ستاند ده بها	از نبی خوان عشرة امثالها

(مثنوی، دفتر سوم)

امام خمینی (قدس سره)، به نقل از استادش شاه‌آبادی (رحمة الله علیه)، نماز را

عبادت خداوند با همه اسماء و صفاتش می‌داند و می‌نویسد:

جميع عبادات سرايت دادن ثنای حق جلت عظمته است تا نشئة ملكية بدن. و

چنانچه از برای عقل حظی از معارف و ثنای مقام ربوبیت است و از برای قلب حظی است و از برای صدر حظی است، از برای ملک بدن نیز حظی است که عبارت است همین مناسک. پس، روزه ثنای حق به صمدیت و ظهور ثنای او به قدوسیت و سبوحیت است، چنانکه نماز - که مقام احدیت جمعیه و جمعیت احدیه دارد - ثنای ذات مقدس است به جمیع اسماء و صفات. (خمینی [امام]،

(۱۳:۱۳۸۸)

در مجموع، با اندیشه در سخنان محققان و شارحان حدیث احصاء، می‌توان گفت: کسانی که احصای اسماء را دارای یک مرتبه می‌دانند سه معنا برای آن بیان کرده‌اند:

۱. احصای اسماء به معنای معرفت، ایمان و حفظ و تکرار آنها
۲. احصای اسماء به معنای تخلیق به اسماء الهی
۳. احصای اسماء به معنای عبادت و بندگی در مظاهر این اسماء

۲. محققانی که چند مرتبه برای احصا بیان کرده‌اند

برخی محققان احصا را دارای یک مرتبه نمی‌دانند و برای آن چندین مرتبه بیان کرده‌اند. از نگاه آنان، بهشت - چنانکه ظاهر آیات و روایات گواهی می‌دهند - دارای مراتبی است. احصای اسماء نیز همانند بهشت دارای مراتبی طولی است و هر مرتبه از آن شایستگی ورود به یک مرتبه از مراتب بهشت را برای بنده فراهم می‌سازد و، به سخن دیگر، هر مرتبه از احصا موجب ورود به مرتبه‌ای از بهشت می‌گردد. در این نوشتار، به تفسیر دو تن از محققان درباره مراتب احصا بسنده می‌نماییم:

۲-۱. تفسیر قاسانی از مراتب احصا: عبدالرزاق قاسانی در بیان مراتب احصا

می‌نویسد: «احصای اسماء الهی به معنای تحقق بنده به این اسماء با فنا از رسوم خلقی در مرتبه واحدیت و بقای بنده به بقای مرتبه احدیت است، و اما احصای اسماء با تخلق به آنها با درستی پیروی از رسول خدا ﷺ موجب ورود به «بهشت وراثت»ⁱ که آیه کریمه «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آنانند که خود وارثان‌اند، همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند. (مؤمنون: ۱۰-۱۱) به آن اشارت دارد - است، و اما احصای اسماء با یقین به معانی آنها و عمل به محتوای آنها با درستی توکل در مقام پاداش ورود به بهشت افعالⁱⁱ را در پی دارد». (قاسانی، ۱۳۷۰: ۲۶)

قاسانی در این تفسیر، بالاترین مرتبه احصا را تحقق به اسماء الهی می‌داند و آن را راه ورود به بالاترین درجات بهشت، یعنی «بهشت ذات»، می‌شمارد. وی احصای اسماء در مرتبه تخلق به اسماء الهی را راه ورود به «بهشت وراثت» یا «بهشت اخلاق» می‌داند و پایین‌ترین مراتب احصا، یعنی احصا در مقام اعتقاد و رفتار، را راه ورود به پایین‌ترین مراتب بهشت، یعنی بهشت اعمال، می‌شمارد. اصل وجود مراتب برای احصای اسماء الهی را می‌توان پذیرفت، اما توجه به

i. قاسانی در تعریف بهشت وراثت می‌نویسد: هی جنة الاخلاق الحاصلة لحسن متابعة

النبي ﷺ، بهشت وراثت بهشت اخلاق است که با پیروی شایسته از رسول خدا ﷺ به دست می‌آید. (قاسانی، ۱۳۷۰: ۴۱).

ii. قاسانی در تعریف بهشت افعال می‌نویسد: هی الجنة الصورية من جنس المطاعم اللذيذة و المشارب الهنية و المناكح البهية ثوابا للأعمال الصالحة و تسمى جنة الاعمال و جنة النفس؛ بهشت اعمال بهشت مادی از جنس غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا و زنان زیبا است که به پاداش اعمال نیک می‌دهند و «بهشت نفس» نیز می‌نامند. (همان).

این نکته لازم است که احصای اسماء در مراتب پایین تر زمینه را برای احصا در مراتب بالاتر فراهم می‌سازد. معرفت خدای تعالی و اسماء حسنائش بذر سعادت را در وجود آدمی می‌نشانند و رفتار شایسته و تخلق به اخلاق الهی آن را به ایمان و باور قلبی تبدیل می‌کند و رشد و تعالی ایمان، در نهایت، شهود اسماء الهی و تحقق به آن را بار می‌دهد. بنابراین، تحقق به اسماء الهی - که در سخن قاسانی از آن به بالاترین مرتبه احصا نام برده شده است - ثمره احصای اسماء در مرتبه معرفت و ایمان قلبی و عمل به لوازم آن و تخلق به اخلاق الهی است.

امام خمینی رحمته الله در بیان مراتب کمال انسانی، شناخت معارف الهی را نخستین مرتبه و رساندن این معارف به قلب و، در نتیجه، راه یافتن ایمان در دل را مرتبه دوم و رسیدن به اطمینان قلبی و کمال ایمان را مرتبه سوم و شهود اسماء الهی را مرتبه چهارم و بالاترین مراتب کمال انسانی شمرده است. (خمینی [امام]، ۱۳۸۸: ۱۲؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

۲-۲. تفسیر قاضی سعید قمی از مراتب احصا: قاضی سعید قمی در شرح حدیث احصا بدین سخن می‌پردازد که احصا سه مرتبه دارد، که هر مرتبه‌ای از آن راه ورود به مرتبه‌ای از بهشت است که با آن تناسب دارد:

- مرتبه نخست این است که این اسماء را همانند اذکار دیگر ورژ خود قرار دهد، چه بدون توجه به معانی آنها و بدون حضور قلب همانند عوام باشد و چه با دقت در معانی آنها و با حضور قلب مانند خواص؛

- مرتبه دوم تخلق به این اسماء است؛

- مرتبه سوم این است که بنده با تمام وجودش مصداق اسماء الهی گردد، چنان که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که فرمودند: «نحن و الله الأسماء»

الحسنی»؛ قسم به خدا، ما اسماء حسناى هستيم. [کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۴] این مرتبه گاه «وهبی» و از سوی خداست، مانند رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام و گاه کسبی است و با مجاهدت به دست می‌آید. (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۶)

در این تفسیر، به زبان آوردن این اسماء و ورد قرار دادن آنها، با توجه به معانی آنها یا بدون توجه به معانی آنها، مرتبه نخست احصا به شمار آمده است. ذکر و ورد قرار دادن اسماء الهی، به‌ویژه اگر با توجه به معانی آنها و با حضور قلب باشد، دارای آثار و برکات فراوان و موجب تقرب به خدای تعالی است. البته، این آثار و برکات نیز در صورتی است که با اعتقاد و ایمان به این اسماء همراه باشد، اما ورود به بهشت و جوار قرب الهی با معرفت و ایمان به وجود این صفات در خدای تعالی و عمل به لوازم آنها به دست می‌آید. با این نگاه، می‌توان مرتبه نخست احصا در این تفسیر را با مرتبه نخست آن در تفسیر قاسانی بازگشت داد. مرتبه دوم و سوم احصا در این تفسیر نیز تخلق و تحقق به اسماء است که با اختلاف در تعبیرات و نکاتی که در آن است با تفسیر قاسانی تطبیق می‌کند.

جمع بندی

در یک نگاه کلی، دو گونه تفسیر برای معنای احصای اسماء در سخنان محققان و شارحان احادیث احصا دیده می‌شود: نخست اینکه احصای اسماء دارای مراتب است و هر مرتبه از احصا راه ورود به مرتبه‌ای از بهشت است و دیگری اینکه احصا دارای یک مرتبه است. کسانی که احصا را دارای یک مرتبه می‌دانند سه گونه تفسیر از آن ارائه کرده‌اند: ۱. احصای اسماء با اعتقاد و ایمان به اسماء و تکرار آن در دعا و غیر آن ۲. تخلق به اسماء الهی و بندگی خدای

متعال در مظهر هر یک از اسماء و ۳. التزام به صراط مستقیم بندگی.

کسانی که احصای اسماء الهی را دارای مراتب می دانند تخلق به اسماء الهی و فنای در آنها و مظهریت برای اسماء الهی و تحقق به این اسما را، با تفاسیر گوناگون، از مراتب دوم و سوم احصا به شمار آورده‌اند. وجود مراتب برای احصا، با توجه به مراتب بهشت و مراتب کمالات انسانی و تفاوت‌هایی که در استعداد رسیدن به این کمالات و تلاش و مجاهدات عبودی در انسان‌ها می‌توان یافت، دور از واقعیت نیست.

تخلق به اخلاق الهی - چنان‌که برخی احادیث به آن اشارت دارند - و همچنین تحقق به اسماء الهی و مظهریت برای آنها، هر یک به جای خود، حقیقتی از حقایق است که سالکان را به بهشت و جوار قرب الهی راه می‌نماید، بهشتی که با هر یک از این حقایق تناسب دارد. بندگی خداوند در مظاهر همه اسماء الهی با التزام به صراط مستقیم قرآنی نیز، بی‌گمان، به جوار قرب حق و بهشت می‌انجامد. این معنا را می‌توان از معانی باطنی این احادیث نیز به شمار آورد.

تخلق به همه اخلاق الهی و تحقق و مظهریت برای همه اسماء - چنان‌که معنای لغوی احصا دلالت دارد - تنها برای انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای الهی U هموار است و دیگران توان رسیدن به برخی از این مقامات را ندارند، نه همه آنها را. بنابراین، با تصرف در ظاهر این احادیث و حمل احصا در آنها به یکی از این معانی: یا مصداقی برای احصا نمی‌ماند یا موجب حمل روایات احصا بر مصادیق نادر می‌گردد. از این نگاه، می‌توان، با پذیرش مراتب برای احصا، تکرار این اسماء در دعا و تمسک به آنها را با اعتقاد و ایمان به اتصاف خدای متعال به

معانی این اسماء معنای ظاهری و اولی این احایث به شمار آورد. این تفسیر با معنای لغوی احصا نیز سازگار است.

منابع

- سید رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴) نهج البلاغه، با تنظیم صبحی صالح، قم.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۹۸) التوحید، قم: جامعه مدرسین.
- ابن ابی جمهور، محمدبن زین‌الدین (۱۴۰۵) عوالی الثالی، تصحیح مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۱۹) کشف المعنی عن سرّ اسماء الحسنی، تحقیق دکتر پابلو بینیتو، قم: نشر بخشایش.
- _____ (بی تا) الفتوحات المکیة، بیروت: دارصادر.
- بهایی، محمد (۱۴۱۵) الاربعون حدیثا، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۵) هزار و یک نکته، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۷۱) کلمه علیا در توقیفیت اسماء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- خمینی [امام]، روح‌الله (۱۳۸۸) سرّ الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____ (ب ۱۳۸۸) آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- سامی محمود، سلیمان (بی تا) النور الاسمی فی شرح الاسماء الحسنی، قاهره: دارالصابونی.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

- شجاعی، محمد (۱۳۸۳) / *اسماء حسنی*، تهران: انتشارات سروش.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷) / *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۶۵) / *رسائل التوحیدیه*، قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- غزالی طوسی، محمدبن محمد (۱۳۹۶) / *المقصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی*، با مقدمه محمود نوادی، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- فخرالدین رازی، محمدبن عمر (۱۳۶۴) / *لوامع البینات*، با مقدمه طه عبدالرئوف سعد، تهران.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵) / *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قاسانی، عبدالرزاق (۱۳۷۰) / *اصطلاحات الصوفیه*، قم: انتشارات بیدار.
- قاضی سعید قمی، محمدبن محمد (۱۴۱۵) / *شرح توحید الصدوق*، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷) / *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶) / *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) / *بحار الأنوار الجامعة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- همدانی درودآبادی، سیدحسین (۱۳۷۹) / *شرح الاسماء الحسنی*، قم: انتشارات بیدار.